

## ارزشیابی و ملاحظاتی چند درباره امتحانات هماهنگ مدارس

### معرفی مقاله

نوشته: محمد جانفشان

نوشته حاضر در رابطه با مقاله «پژوهشی در زمینه نگرش دانش‌آموزان، معلمان، مدیران و مسئولان آموزشی نسبت به اجرای امتحانات هماهنگ در مدارس» که در فصلنامه شماره یک سال دوم (بهار ۱۳۶۵) چاپ شده بود، ارائه گردیده و نقش امتحانات هماهنگ را در چارچوب نظام آموزشی مورد بررسی قرار می‌دهد.

این مقاله توسط آقای محمد جانفشان دبیر مدارس گرگان در اختیار فصلنامه قرار داده شده که بدین وسیله از علاقه ایشان نسبت به فصلنامه قدردانی و تشکر می‌نماید.

مقاله ابتدا با اشاره به هدفهای کلی طرح امتحانات هماهنگ شروع شده، و سپس به تعریف «ارزشیابی» پرداخته و هدفهای «ارزشیابی در آموزش و پرورش» را بررسی نموده، معایب عدم دخالت مؤثر معلمان را در ارزشیابی آموزشی بر شمرده؛ پژوهش ارائه شده از طرف دفتر آموزش عمومی را که درباره ارزشیابی هماهنگ فراهم آمده و به صورت مقاله ذکر شده در فصلنامه شماره ۵ ارائه گردیده مورد نقد و بررسی قرار داده است؛ و بالاخره در نتیجه‌گیری خاطر نشان نموده که: «در دوره تعلیمات عمومی (ابتدایی و راهنمایی) امتحانات هماهنگ لازم نیست و برای انگیزختن معلم و شاگرد به تلاش بیشتر، از راههای دیگری باید اقدام کرد. در پایان مقاطع فوق وجود یک امتحان نهایی هماهنگ عاملی برانگیزنده معلم و دانش‌آموز می‌تواند باشد، و کافی است. در دوره دبیرستان، بهتر است در ثلث

سوّم سوّالات هر درس در هر شهر به وسیله هیأتی از گروه آموزشی همان درس نه یک نفر تهیه و به مورد اجراء گذاشته شود. در مقطع دیپلم وجود امتحان هماهنگ در سراسر کشور امری ضروری و مهمّه است.»

ضمن آرزوی توفیق نویسنده محترم، امید است در این زمینه از نظرات دیگر صاحب نظران نیز بهره مند گردیم.

«فصلنامه»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

با تصویب طرح امتحانات هماهنگ در جلسات ۲۸۷، ۳۳۰، ۳۳۹ شورای عالی آموزش و پرورش کشور اجرای این مصوبات در تمام مقاطع آموزشی اعم از ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در ثلث دوم و سوم آغاز شده است.

طراحان و مؤیدین این طرح دلایلی بر مفید بودن و ارزشمند بودن آن ارائه کرده‌اند که اهم

آنان چنین است:

۱ - سنجش دانش‌آموزان با حدی مناسب و استاندارد مشخص از معلومات.

۲ - جدی‌تر تلقی شدن کار آموزش از طرف معلمین و مسئولان و دانش‌آموزان.

۳ - اتمام کتابهای درسی در طول سال تحصیلی.

۴ - به کارگیری ملاکهای مشخص و معیارهای یکنواخت در ارزشیابی دانش‌آموزان و

مطمئن‌تر بودن نتایج ارزشیابی.

۵ - تساوی شرایط امتحان برای همه.

۶ - تصحیح دقیق اوراق امتحانی بر اساس باریمی مشخص.

۷ - تقویت و افزایش احساس مسئولیت در مسئولین و معلمان و دانش‌آموزان.

۸ - افزایش درصد قبولی مدارس.

برای اینکه بتوان درباره نتایج مثبت این شیوه قضاوت کرد لازم است مقدمتاً مروری بر

تعریف و اهداف ارزشیابی نموده و برآورده شدن این اهداف را با اتخاذ این روش مورد مطالعه

قرار داد.

ارزشیابی چیست؟

برنامه‌ریزان و پژوهش‌گران، تعاریف گوناگونی از ارزشیابی ارائه کرده‌اند که ما در اینجا

به ذکر چند تعریف تازه از ارزشیابی و ارزشیابی آموزشی می‌پردازیم:

«ارزشیابی فرایند منظمی است که در طی آن درباره ارزش، مطلوبیت، مؤثر بودن یا

کفایت چیزی طبق ملاکها و مقاصد معینی قضاوت و داوری می‌شود. این داوری مبتنی بر مقایسه

دقیق داده‌های عینی با استانداردهای انتخابی است.<sup>۱</sup>»

«ارزشیابی کنترل کیفی فرایندها و نتایج یک برنامه آموزشی است.<sup>۲</sup>»

و در آموزش و پرورش: «فرایند سیستماتیک برای تعیین و تشخیص میزان پیشرفت یاد

گیرنده در رسیدن به هدفهای تربیتی.<sup>۳</sup>» می‌باشد.

با توجه به تعاریف فوق می‌توان نتایج زیر را حاصل نمود:

۱ - ارزشیابی یک فرایند منظم است در جریان زمان.

۲ - ارزشیابی بسوی هدفی متوجه است.

۳ - ارزشیابی ملاکها و ضوابطی را انتخاب، مقایسه و قضاوت می‌کند.

۴ - ارزشیابی درجه مؤثر بودن و مطلوبیت چیزی را معین می‌نماید.

۵ - ارزشیابی فعالیتهای تازه‌ای را برمی‌انگیزد.

در یک ارزشیابی اگر موارد فوق ملحوظ نگردد آن ارزشیابی نمی‌تواند نتایج واقعی و دقیقی را عرضه دارد.

مدرسه به عنوان یک سیستم، از خرده سیستمهای متعدد تشکیل شده است.<sup>۴</sup> مجموعه فعالیتهایی را که مدرسه در طول سال تحصیلی برای شناخت ارزش فعالیتهای آموزشی طبق ملاکها و ضابطه‌های معین در راه رسیدن به هدفهای تربیتی انجام می‌دهد تا به نتایج لازم دست پیدا کند همانا ارزشیابی آموزشی است. این فعالیتهای کوششهای جدیدی را طلب می‌کند که جنبه تقویت، اصلاح یا تغییر دارد. غالب این کوششها و فعالیتهای باید به وسیله معلم صورت گیرد. بنابراین در هر ارزشیابی آموزشی مهمترین نقش را به معلم می‌توان اختصاص داد. کل سیستم با فعالیتهای هماهنگ خرده سیستم‌هاست که خود را ارزشیابی میکند.

### هدفهای ارزشیابی آموزشی

۱ - کوششهای معلم در هر ارزشیابی تنها آگاهی از میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز نیست، بلکه علاقمند است تا توانائی‌های مهم او را کشف کند، خلق و خوی و منش او را بشناسد. قدرت سازگاری و طرز فکر و طرز تلقی او را از مسایل ارزیابی کند تا بدین طریق بتواند امر پرورش را هماهنگ با آموزش به پیش ببرد.<sup>۵</sup>

۲ - شناخت نقاط قوت و ضعف دانش‌آموز در زمینه‌های مختلف از هدفهای دیگر ارزشیابی است. از این راه معلم کوششهای تازه‌ای را در جهت برطرف کردن کاستی‌ها و تقویت موارد مثبت روا میدارد (تداوم و استمرار در ارزشیابی).

۳ - دانش‌آموزان، پس از هر ارزشیابی از نقایص به نحوه یادگیری و پیشرفت تحصیلی خود آگاهی یافته و کوشش خود را بر برطرف کردن نقاط ضعف خویش متمرکز می‌سازند.

۴ - در هر ارزشیابی، معلم به نقاط ضعف روش تدریس و معایب کار خود پی برده و کوشش خود را بر بهبود روش خویش و ارتقاء دانش خود، متمرکز میکند.

۵ - در هر ارزشیابی نقاط ضعف دانش‌آموز بر معلم و والدین آشکار شده و برای برطرف کردن ضعفها، کوششهای دوباره‌ای را آغاز میکنند. خانواده‌ها بدین طریق در جریان یادگیری فرزندان خود قرار میگیرند.

۶ - رابطه و پیوند عاطفی<sup>۶</sup>، بین دانش آموز و معلم به خاطر تلاش متقابل و صادقانه‌ای که برای یادگیری انجام می‌دهند، مستحکمتر شده و صمیمیت بیشتری را نسبت به هم احساس خواهند کرد.

توجه به اهداف فوق‌هنگامی برای معلم اهمیت پیدا می‌کند که ارزشیابی انجام شده از دیدگاه معلم دارای «روایی» و «اعتبار» لازم باشد.<sup>۷</sup> چنانچه روش و وسیله ارزشیابی نتواند اعتماد معلم را بخود جلب کند، تحقق اهداف فوق به عهده تعویق خواهد افتاد و کار ارزشیابی به شکل فعلی خود انجام خواهد گرفت.

### معایب شرکت ندادن معلم در ارزشیابی<sup>۸</sup> و امتحانات هماهنگ

۱ - شرکت ندادن معلم در ارزشیابی ثلث دوم و سوم غالباً موجب بی‌اعتقادی معلم به نحوه و نتایج ارزشیابی میشود. چنین معلمانی نتایج ارزشیابی را دقیق نپنداشته و مجموعه نارساییهای کارآموزی خویش را به عهده شیوه ارزشیابی می‌گذارند و خود را از هر مسئولیتی مبرا میدانند. القاء همین فکر به دانش‌آموزان، آنان را نیز به شیوه ارزشیابی بی‌اعتقاد ساخته و گناه عدم موفقیت خود را به نحوه ارزشیابی نسبت می‌دهند در حالیکه این یک پیش‌داوری است و در همه ارزشیابی‌ها صادق نیست.

۲ - سنجش دانش‌آموزان مدارس یک منطقه وسیع جغرافیایی با یک ملاک با در نظر گرفتن موضوع عدم توزیع عادلانه امکانات آموزشی نه تنها ظلمی است در حق مدارس روستایی و مناطق محروم بلکه سوق دادن دانش‌آموزان پیشرو به سوی یک حد متوسط فعالیت است. زیرا طراح سؤالات امتحانی نمیتواند مناطق روستایی و محروم را در نظر نگیرد. نتایج چنین جریانی در درازمدت نه تنها نمیتواند برای جامعه ما مفید باشد بلکه ممکن است عواقب تأسف‌انگیزی هم به بار آورد.

۳ - بخشی از علل تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در یادگیری از تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نقش منزلت اجتماعی خانواده آنان ناشی میشود، توجه به این تفاوت‌ها یکی از یافته‌های مهم روانشناسی تربیتی و آموزش و پرورش نوین است.<sup>۹</sup> امتحان هماهنگ این یافته مهم علمی را نادیده می‌انگارد در حالیکه در ارزشیابی کلاسی، معلم میتواند این موارد را رعایت کند.

۴ - روش تدریس، تجربه و مهارت، میزان علاقه و سطح علمی معلمان ما یکسان نیست. شخصیت و منزلت معلمی هر معلم به موارد فوق بستگی دارد و مورد قضاوت جامعه قرار می‌گیرد. امتحانات هماهنگ تلاشها و کوششهای معلمان سخت‌کوش این کشور را در حاله‌ای از ابهامات

فرو می‌برد و تفاوتها را آشکار نمیسازد.

۵- در سطحهای بالای آموزش مثل دبیرستان، هر معلم از فصول مختلف کتاب و مقوله‌های هر فصل، برداشتهای خاص خود را دارد. تأکید معلمان هنگام تدریس روی مطالب هر فصل متفاوت است. این تفاوتها در کار معلم دخالت میکند و سبب تمایز کیفیت و انواع شیوه‌های تدریس میشود. در ارزشیابی هماهنگ فقط علایق طراح است که در سطح وسیعی تعمیم می‌یابد در حالیکه نظریات و علایق معلم کلاس در نظر گرفته نمیشود.

۶- چون در تصحیح اوراق امتحانی، معلم کلاس، مصحح و تعیین کننده تکلیف دانش‌آموز است بنابراین در همه موارد دقت لازم در تصحیح اوراق اعمال نمیشود و میزان اغماض از حد میگذرد زیرا حیثیت و اعتبار معلم مطرح است.

۷- کار معلمی، جنبه وجدانی و معنوی دارد. با عدم اعتماد به معلم، نقش و قدرت معلم تضعیف میشود و از دلگرمی و استواری او کاسته میگردد.

۸- در این شیوه، به پایان رساندن کتاب درسی، بدون در نظر گرفتن شرایط و عوامل متعدد بازدارنده، هدف قرار میگیرد و معلم فرصت ارائه مباحث تفکر انگیز و خلاق و سازنده و رفع نقص برنامه تحصیلی و کتاب درسی را نمی‌یابد.<sup>۱۱</sup> به علاوه مسئله تفاوتهای فردی در یادگیری هم به سبب تفصیل معلم در رسیدن به پایان کتاب فراموش میشود.

۹- امتحانات هماهنگ سؤالات امتحانی را یکنواخت، قالبی و همه‌پسند خواهد کرد، هدفهای تربیتی هر مبحث درسی فراموش خواهد شد و در حد اندازه‌گیری دانش و اصول متوقف خواهد ماند در این شیوه هدفهای عالی آموزش و مراحل عالی‌تر یادگیری مورد توجه قرار نمی‌گیرد.<sup>۱۲</sup>

۱۰- معلم و دانش‌آموز اشکالات و معایب را به عهده چگونگی و نوع سؤالات میگذارند و در صدد رفع معایب کار خود برنمایند.

۱۱- هر نوع اشکال در طرح سؤال، در سطح یک منطقه وسیع تعمیم می‌یابد.

۱۲- اجرای این طرح بار مالی و صرف نیروی انسانی زیادی را بر آموزش و پرورش تحمیل می‌کند.

### نگاهی به یک تحقیق و چند نظر

خوشبختانه پژوهشی درباره ارزشیابی هماهنگ از طرف دفتر آموزش عمومی در فصلنامه تعلیم و تربیت منتشر شده است.<sup>۱۳</sup> در این تحقیق نظریات گروهی از دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و دبیرستان، معلمان و مسئولان آموزشی درباره ارزشیابی هماهنگ مورد

تحقیق قرار گرفته است. بسیاری از یافته‌های این تحقیق در تأیید مراتب فوق میبایند اما تنگناهای تحقیق سبب شده است که بعضی از نتایج حتی مورد قبول خود پژوهشگران قرار نگیرد که این موضوع در پایان هر پرسش، قابل ملاحظه است. کوشش دفتر آموزش عمومی قابل تقدیر است اما چند نکته در مورد این تحقیق به نظر نگارنده رسیده که طرح میشود:

۱- دربارهٔ ارزشیابی هماهنگ لازم بود که نظر کارشناسان و محققین علم آموزش و پرورش و نویسندگان کتب درسی و برنامه ریزان آموزشی مورد تحقیق قرار می‌گرفت و به اصطلاح به اهل فن هم مراجعه میشد.

در حالی که این مراجعه در حد پرسش از دانش آموزان و معلمان و مسئولان آموزشی (سمتشان مشخص نشده است) باقیمانده است در تحقیق‌هایی نظیر تحقیق فوق هیچگاه نباید نسبت به آگاهی و شناخت علمی پاسخ دهندگان بی تفاوت بود. دانش آموز مدرسه راهنمایی و دبیرستان و حتی معلم جدیدالاستخدام یا حق التدریسی که از اصول ارزشیابی علمی، اطلاعات چندانی ندارد، اگر نمرهٔ ورقه‌اش خوب شود امتحان را می‌پسندد اگر نمرهٔ او بد شود امتحان را نمی‌پسندد.

۲- آیا بالا رفتن درصد قبولی میتواند ملاکی برای شناخت یک ارزشیابی مطلوب باشد؟ چنین پدیده‌ای در تحقیق جزء محاسن ارزشیابی هماهنگ ذکر شده است در حالی که اگر چنین پدیده‌ای هم وجود داشته باشد حاصل دخالت عواملی نظیر: قالبی شدن سوالات به مرور زمان، طرح سوالات آسان و چگونگی تصحیح اوراق امتحانی می‌باشد. چقدر جالب است که این دفتر بررسی جامعی روی چگونگی سوالات امتحانی سراسر کشور داشته باشد و سپس با نظر نویسندگان کتب درسی به ارزشیابی سوالات امتحانی هر درس در کل کشور بپردازد.

۳- موضوع دیگری که در این تحقیق جای صحبت دارد مسئلهٔ طرفداری معلمان از امتحانات هماهنگ در ثلث دوم است که گفته شده به خاطر تعطیلی کلاسها، معلمین چنین پیشنهادی را داده‌اند این نهایت کم لطفی عزیزان است و چنین نیست. خوبست دربارهٔ چگونگی برگزاری امتحانات ثلث اول و دوم بیشتر تحقیق شود و علت طرح چنین خواستی روشن گردد شاید علت آن باشد که در طول امتحانات ثلث اول و دوم معلمین در کلاس نقش مبصر را دارند و آموزش در طول امتحانات، در کلاسها به سطح بسیار پایینی تنزل می‌یابد دانش آموزان در کلاس نگران امتحان فردا و دلواپس‌اند و آمادگی لازم را برای آموختن درس جدید ندارند در حالیکه معلم باید در کلاس درس بدهد و جلو برود؛ دانش آموز هم در زیر میز درس فردا را مرور کند که امتحانش خراب نشود.<sup>۱۳</sup> معلمان واقعاً در این حالت دچار تعارض میشوند و نمیدانند کدام راه را انتخاب کنند.

نتیجه بحث

از طرح مجموعه مطالبه فوقی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در تئوری تسلطیات عمومی (ابتدایی و اساسی) استعدادهای هوشنگ کارآمد و توسعه‌یابی انگیزشی و عملکرد کارآمدی در تلاش بیشتر از راههای دیگری باید اقدام کرد.  
در پایان مطالعه فوقی وجود یک امتحان نهایی هوشنگ حاصل بر انگیزشی معلوم و دانش آموز می‌تواند باشد و کلیت آن به صورت دوره بهر هوشنگ، بهتر است در حالت عموم سؤالات هر درس در هر شهر به وسیله هیأتی از گروه آموزشی همان درس به یک کارگزار و به صورت اجزا گذاشته شود تا در دیدگاه وجود امتحان هوشنگ در مراکز کشور آتری استواری و مهم است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## مراجع و یادداشتها

- ۱ و ۲ - امان‌الله صفوی. نظریات معاصر دربارهٔ ارزشیابی از برنامه. فصلنامهٔ تعلیم و تربیت شماره ۲ و ۳ سال ۱۳۶۴.
- ۳ - علی اکبر سیف. روانشناسی یادگیری و تدریس. چاپ اول. ص (۳۰۷).
- ۴ - علی علاقه‌بند. مقدمات مدیریت آموزشی انتشارات زر. ۱۳۶۲ ص (۲۰۰)
- ۵ - رابرت نورندایک. الیزابت هیگن «اندازه‌گیری و سنجش در روانشناسی و تعلیم و تربیت. ترجمهٔ خسرو مهندسی. نشر اندیشه ۱۳۴۳.
- ۶ - این عقیده که: «ارزشیابی سبب جدایی عاطفه معلم و دانش آموز میشود» نمیتواند عقیده صحیحی باشد فقط در سیستمهایی که دانش آموز معلم را به عنوان یک سد در برابر خود می‌بیند و رابطه معلم و شاگرد از نوع خشک و تحکم‌آمیز و انتقام‌جویانه است ممکن است چنین حالتی مشاهده شود.
- ۷ - شماره ۵ ملاحظه شود.
- ۸ - این حقیقت. برای یک بیگانه تعجب‌آور و طنز آلود است که معلم در ارزشیابی‌های اصلی نقش اساسی خود را از دست بدهد و فقط مراقب یا ماشین تصحیح باشد. زیرا چنین امری تا آنجاکه نویسنده مقاله اطلاع دارد در دنیا بی‌سابقه است مگر در مقاطع مهم تحصیلی آنها در پاره‌ای از مناطق عالم.
- ۹ - مسعود رضوی «لزوم مطالعه اختلافات فردی کودکان» انتشارات وزارت فرهنگ - تاریخ انتشار.....؟
- ۱۰ - نگارنده بارها با معلمین برخورد کرده است که به علت تعطیل کلاسشان به دلایل گوناگون، ناچار شده‌اند در دو جلسه آخر سال ۳۰ تا ۴۰ صفحه از کتاب را تدریس کنند تا در نزد اداره مسئول نباشند.
- ۱۱ - مسعود رضوی (مترجم) اصول طبقه‌بندی هدفهای تربیتی - دانشسرای عالی ۱۳۴۶.
- ۱۲ - فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۵.
- ۱۳ - سیروس عظیمی - اصول روانشناسی عمومی چاپ چهارم، جلد اول، ص ۳۲۵ نقش انگیزه.